

# نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۲۲، پنجشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۵۷

زندانیان سیاسی بر اثر اعتصاب غذای ۶ روزه در مرز مرگ و زندگی بسوی برند

## بهبودی زندانیان اعتصابی بشتایم

— آنها حداقل حقوق يك زندانی سیاسی را می خواهند، حداقل خواسته ها و توقعات يك انسان را انتظار دارند، اما همین حداقل انتظار با مقاومت و تحاشی جنایتکارانه رژیم روبروست. . . .  
زندانیان سیاسی می خواهند کیفیت بسیار نامطبوع و بی اهمیت غذایی زندان بهبود یابد، اجازه ملاقات به اقوام و خواهران و برادران آنها داده شود، رادیو و روزنامه عادی سانسور نشده در اختیارشان قرار گیرد و تعداد زندانیان در هر اتاق که بسته طرز وحشتناکی بر تراکم است، کاهش یابد. زندانیان سیاسی تقاضا کرده اند که احکام ظالمانه محکومیت آنها توسط هیئت ادگامهای فرستای نظامی، در محاکم دادگستری مورد تجدید نظر قرار گیرد. آیا پاسخ این خواسته های حق و طبیعی که متضمن ابتدایی ترین شرایط زمینی در بیخوله های شاه است، شکرجه و کتک و مرگ است؟  
خانواده های زندانیان سیاسی تا کنونی می کنند که اعتصاب کنندگان توسط مرغضب های رژیم مورد شکرجه و ضرب و شتم قرار گرفته اند. آنها می گویند:

— زندانیان سیاسی از اواخر بهمن ماه نخست اعتصاب ملاقات کردند و چون به این اعتراض جمعی توجهی نشد، تاگزیر به آخر بهمن حربه خود یعنی اعتصاب غذا متوسل گردیدند. برای آنها در شرایط روزی زندانیان آریا مهربی و با تاراج تمامی امکانات زیستی و تحویل انواع فشارهای روحی و جسمی فرساینده، چاره ای جز نبود اعتصابی باقی نمانده بود. اعتصاب غذا در بند های سیاسی زندان قصر از روز ۲۰ اسفند ماه آغاز شد.

روز ۲۵ اسفند ماه تنی چند از زندانیان که برخلاف روزهای ملاقات قبلی حاضر شده بودند به دیدار خانواده های خود و برآمدند، آنها را در جریان اعتصاب غذای خود گذاشتند. آنها فاش کردند که دو خیمان اعتصاب کنندگان را مورد هجوم قرار داده اند و به سختی مضرب زدند. آثار ضرب و جرح بر چهره و دست و پای زندانیان ملاقات کننده، به شاهه داغ ننگی رژیم غداری و ضد مردمی را رسوا می کرد، اما اسیران با رژیم و صمم خلق ضد خود را به ادامه نبود اعتصابی تا مرگ با پیروزی نهایی تأکید کردند.

سال نو در شرایط آغاز شد که سپهر پرستارین فرزندان مردم با شکرجه و گرسنگی و ضعف ناشی از اعتصاب، تحلیل می رفتند. این عهدی شاهانه به طاعت بود.

صدها نفر از زندانیان سیاسی ایران از ۲۶ روز پیش در اعتصاب غذا به سر می برند. در حالی که این گرامی ترین فرزندان مبارز خلق تا مرگ يك قدم بیشتر فاصله ندارند، رژیم تبهکار در برابر این تظاهر بزرگ سیاسی و اعتراضی که در تاریخ مهین ما کسم سابقه است، خفقان سکوت گرفته و از انتشار این حادثه تکان ندهند، حماسی و در عین حال افشاگر، به شدت جلوگیری می کند. خانواده های زندانیان سیاسی که شاهد زوال تدریجی عزیزان در بند خود و خون سردی شیرانه زندانیان و مرغضب های شاه در برابر این نبود قهرمانی مرگ و زندگی هستند، هر روز خواسته های حق اعتصاب کنندگان را در خیابانها و در جلوی دادگستری و دادرسی ارتش زندان قصر، مجلسین شورا و سنا، کاخ نخست وزیری و دیگر نهادها و مظهر رژیم شاه — ساواک، فریاد کرده اند و به جای پاسخ، با مشت و لنگ و باتوم و شام های رکیک و بازداشت و هجوم روبرو شده اند. آنها با چشم های اشکبار و قلب های آتش گرفته و گلوها گرفته از خشم در معابر و خیابانها، جنایت هولناکی را که در گذشته در یک ثانوی صحنه گردان آنست فاش می کنند، در زیر ضربات دد — ضلانه و در معرض تاخت و تاز مد اوم گرازهای حکومتی با مردم سخن می گویند و آنها را به باز اسیران سرفراز خود و خلق می خوانند و صد دردناک خود را که محکومیت ابد رژیم دوحیمنان و شورویترین غارتگر در آن موج می زند، به تاریخ می سپارند:

— مردم! گلهای سر سبز خلق با توطئه آدمکشان رژیم در حال پر شدن اند. کک کنید! . . . به یاری فرزندان و قهرمانان خود بشتابید! آنها به لبه گور خود رسیده اند. کاری بکنید. . . کاری بکنید. . .

مردم با بغض خاموش و مشت های گره کرده به این صحنه ها نگاه می کنند. آتشی در دلها شعله می کشد و خشم به صورت جرقه و کله و شعله از دهانها بیرون می ریزد. پیرزنها نفرین می کنند و پسر مرد ها با تآثر سر تکان می دهند و جوان ها زیر لب می فریاد می کنند و در این اندوه و همدردی مشترک جانها به هم گره می خورد، و خلق در کینه و عشق خود یگانه می شود و عطش انتقام سینه هارا می سوزاند. رهگذران یا ناراحتی می پرسند:

— زندانیان سیاسی چرا اعتصاب غذا کرده اند؟  
مادران و خواهران پریشان زندانیان سیاسی جواب می دهند:

از نخستین روزهای سال جدید زندانیان اوین نیزه اعتصاب کنندگان زندانیان قصر پیوستند و بزرگواران تمام این روزها هجران و مادران و خواهران و پدران زندانیان سیاسی در یک سلسله تظاهرات پر شور و افشاگرانه خیابانسی و صدای سیران و دلبندان خود را به گوش توده هارسانند و از جنایاتی که در پشت دیوارهای بلند و میله ها و قفس های آهنی زندانیان های سیاسی می گذرد، پرده برداشتند. آنها به طور دسته جمعی در روز ۲۸ اسفند ماه در برابر دادسرای ارتش (خیابان کورش) تظاهرات کردند. روز چهارشنبه دوم فروردین در برابر زندان قصر جمع شدند و خروش خود را با فریاد و اشک آفرینند و صدای عدالت خواه فرزندان خویش را از گلوهای دردناکشان آواز دادند. تظاهرات تهیه کننده خانواده های زندانیان سیاسی که شکل صحنه های سیاسی داشت، در روزهای سوم و چهارم فروردین در خیابانها ادامه یافت. خانواده ها روز و شب هفت فروردین ماه در برابر کاخ دادسرای و در روزهای بعد در برابر دیگر نهاد های رسوای رژیم آریامهری خواستهای زندانیان اعتصابی را با نامه و با فریاد به گوش های کر کارگزاران و کماشنگان بی آرم حکومت رساندند، اما در اکثر این اجتماعات با موهن ترین وضع مورد بیوش و ضرب و جرح و تحقیر و دشنام های که تنها زینده ضحاک شوم دوران است روپرو شدند و هر بار عده ای از آنها توسط گارد های مسلح بازداشت گردیدند. تظاهرات ناگزیر و ولوله آفرین مادران و هجران زندانیان سیاسی در روز چهارشنبه ۱۶ فروردین ماه در برابر دانشگاه تهران و کاخ نخست وزیری امواج وسیعی از همدردی و پشتیبانی ملی برانگیخت. اتوبوس ها در مسیر این شیرزنان رزنده و وسط خیابان توقف می شدند، رهگذران می ایستادند، کسبه از مغازه های خود بیرون می آمدند، تاصدای مبارزه، صدای فتح عشق و عدالت، صدای اعتصاب را از لافهای زندانیان و وطنشان، در طنین گرم و شورانگیز و خستگی ناپذیر می شنیدند. اما گارد های شهرستانی مجال نمی دادند، حمله می کردند، تظاهر کنندگان را زیر سمای خود می گرفتند، آنها را کشتن در اتوبوس های خود سوار می کردند و دندوبه گلانتری های بودند.

۲۶ روزی از اعتصاب غذای فرزندان بیکار جوی خلق که رژیم بی آبرو و دروغ پر از وفاسد شاه - ساواک کوشیده آن را از مردم و افکار عمومی پنهان نگاه دارد، سؤالی که برابر همه وجدانهای آگاه و مبارزان و آزادپخواهان، خود نمایی می کند این است که سرانجام این نبود مرگ و زندگی که اینک به مرگ بیشتر از زندگی نزدیک است چه خواهد شد؟ مردمی که خاطره نزدیک کشتار شقاوت آمیز زندانی سیاسی (گروه جزئی - ظرفی) را در زندان به یاد دارند، آنها می دانند که ماجرای شکنجه و قتل قهرمان توده ای پر پیروز حکمت جورا پس از ده سال زندان فراموش نکرده اند، همه آنها می دانند که ماجرای هولناک بسیاری از شکنجه ها و چینی و اسامی جسمی مبارزان را در زندان های شاه شنیده اند، حتی دارند نسبت به زندگی گلهای سرسبز باغ چمن در زیر جنگال های خن آلود ساواک نگران باشند. کنگ زندان و شکنجه اعتصاب کنندگان به وسیله کزبه ها و کزهای بی روح و قلب و روسی محبت شاه، در شرایطی که حیات آنها از بی رمقی و کرسنگی و ضعف فرط و کشنده، به شدت در معرض تهدید است، نشان میدهد که جلا و از هیچ جنایت و تنگی روی گویان نیست. او سوا ترو رو سیاه تر از آنست که هیچ حریبی را نگذارد. ضشور حقوقی بشر در اصولی که حتی در مورد اسیران جنگی رعایت می شود، برای این هیولای آدمخوار، جز بازی نیست. او علی رغم ادعاهای بی شرمانه اش که چون تاج و تختش آلوده و مورد بدگمانی ابدی و سوسه ظن همیشگی است، هنوز در منقشه شکنجه می دهد، زندانیان اذلال و هوش رفته اعتصابی را زیر چکمه و بانم و چماق میکوبد و آنگاه با تمام دهان متعفنش در انتظار جهانیان باوه می باند که شکنجه در ایران موقوف شده است. آیا او را هاجد پندی رساتر از و قاحت بی شرمی در حق چنین عفریت هزارچهره و پلیدی نباید خلق کرد؟

مردم ایران، آزاد بخوایان، همین پرستان، مبارزان! در دقایق و ساعات اضطراب آمیزی که زندگی صد ها و صد ها تن از فرزندان و حقیقت خواهان شریف مادر زندانیان بی تاهن شاه به سوی بسته و هر لحظه امکان پاره شدن این رشته نازک تصور است، و ظرفی ملی و وجدانی و مبارزاتی ماست که به یاری این رزندگان حماسه آفرین سنگر خلق می باشیم. با تمامی وسایل و امکانات خود، احتیاج جنایت فجیحی را که در زندانها می گذرد، در برابر توده های وسیع مردم و جهانیان افشا کنیم. در کارخانه ها، از سر ضایر، در تکاپو ساجد، در کوجه ها و خیابانها، در ادارات و محافل و مجالس، بانگ اعتراض خود را علیه زندانیان و به حمایت از زندانیان سیاسی رسا تر کنیم. با سیناه، با توضیح و سخنرانی، حتی در ناه های دستی و تابلو شده با هر وسیله ابتکاری دیگر، خواستها و هو قعیست خطوناک اعتصاب کنندگان را در طنینی نیرومند آواز دهم و از این نیروی عظیم افشاگری همه جانبه، توضیحی برای سلامت و زندگی ارزنده فرزندان در بند خود تأمین نمائیم. تنها نیروی اعتراض دسته جمعی و یکپارچه ماست که می تواند مرغضب ها و آاد کشتن را به عقب نشینی وادارد. این مبارزه ای است صحنی که هر دست و هر صدایی در آن می تواند نقشی به سزا و شرف بخش داشته باشد. شتاب کنید! جان همزیر ترین در لیوان و کوشندگان راه خلق در خطر است...

## برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خود را تشدید کنیم!